

An Examination of the Management of the Sacred Defense and the Imposed War by *Imām Khumaynī*

Behnam Rashidizadeh¹, Ali Asghar Nasiri²

¹ Assistant Professor, Imam Sadeq Islamic Sciences Research Institute, Qom, Iran (Corresponding author).
behnam.rashidizade@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Education, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran.
a.nasiri@shahroodut.ac.ir

Abstract

The present research seeks to answer the question of how the Imposed War and the Sacred Defense were managed and led under the leadership of *Imām Khumaynī*? The research method was analytical-documentary, and the results indicated that *Imām Khumaynī*, within the framework of a consolidated management style, by adopting a jurisprudential (*fiqhī*) and deductive (*ijtihādī*) management based on rationality and integrating it with a heartfelt (*qalbī*) management, based on complete informational mastery, on the one hand through continuous supervision over the performance of officials and on the other hand by utilizing the immense capacity of popular forces, while preserving the cohesion of society, repelled the crises of the initial years of the victory of the Islamic Revolution, particularly the threat resulting from the Imposed War. His management style in the Sacred Defense was an integration of systematic management and charismatic management. In other words, by utilizing the integration of the two aforementioned management styles, and by exploiting the immense popular capacity in interaction and coordination with the responsible official institutions, he was able to manage the crisis of the Imposed War. Therefore, it can be stated that the managerial stratagems and measures of *Imām Khumaynī* in the management of the Imposed War and the Sacred Defense contain numerous lessons and teachings for confronting other crises as well.

Keywords: *Imām Khumaynī*, Sacred Defense, Imposed War, systematic management, charismatic management.

Received: 2025-05-06 ; Received in revised form: 2025-04-17 ; Accepted: 2025-05-03 ; Published online: 2025-10-02

<https://doi.org/10.22034/sm.2026.2003355.2074>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بررسی مدیریت دفاع مقدس و جنگ تحمیلی توسط امام خمینی

بهنام رشیدی زاده^۱، علی اصغر نصیری^۲

^۱ استادیار، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول). behnam.rashidzade@gmail.com

^۲ استادیار، گروه معارف، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران. a.nasiri@shahrood.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که جنگ تحمیلی و دفاع مقدس به رهبری امام خمینی چگونه مدیریت و راهبری شد؟ روش پژوهش تحلیلی - اسنادی بوده و نتایج نشان داد که امام خمینی در چارچوب سبک مدیریت تلفیقی، با اتخاذ مدیریتی فقهی اجتهادی مبتنی بر عقلانیت و تلفیق آن با مدیریت قلبی، براساس اشراف کامل اطلاعاتی، از یک سو با نظارت مستمر بر عملکرد مسئولان و از سوی دیگر با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم نیروهای مردمی، ضمن حفظ انسجام جامعه، بحران‌های سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، خصوصاً تهدید ناشی از جنگ تحمیلی را دفع نمود. سبک مدیریت ایشان در دفاع مقدس، تلفیقی از مدیریت سیستماتیک و مدیریت کاربزماتیک بوده است. به عبارت دیگر، ایشان توانستند با استفاده از تلفیق دو سبک مدیریتی مذکور، با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم مردمی در تعامل و هماهنگی با نهادهای رسمی مسئول، بحران جنگ تحمیلی را مدیریت نمایند. لذا، می‌توان گفت که تدابیر و اقدامات مدیریتی امام خمینی در مدیریت جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، حاوی درس‌ها و آموزه‌های بسیاری برای مقابله با بحران‌های دیگر نیز می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی، دفاع مقدس، جنگ تحمیلی، مدیریت سیستماتیک، مدیریت کاربزماتیک.

استناد به این مقاله: رشیدی زاده، بهنام؛ نصیری، علی اصغر (۱۴۰۴). بررسی مدیریت دفاع مقدس و جنگ تحمیلی توسط امام خمینی. *سیاست متعالیه*.

۱۳۳-۱۴۳ ص ۱۵۸-۱۴۳. <https://doi.org/10.22034/sm.2026.2003355.2074>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

بدون شک حادثه مهمی چون تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران و هشت سال دفاع مقدس در برابر رژیم بعث، یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ ایران زمین است که شناخت ابعاد مختلف آن می‌تواند در تعمیق فرهنگ و خودباوری ملی موثر باشد. در چنین شرایطی، شاهد شکل‌گیری جریانی هستیم که برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی، وارونه‌سازی حقایق و تحریف واقعیات را محور فعالیت‌های خود قرار داده است. از آنجا که یکی از نقاط قوت نظام جمهوری اسلامی ایران، مقاومت هشت ساله در مقابل تجاوز ارتش بعث عراق به خاک کشور است، از جمله روش‌های دشمن برای خدشه وارد کردن به این دوران شکوهمند از تاریخ انقلاب اسلامی، طرح شبهاتی با قصد ابهام‌زایی و زیر سوال بردن این دفاع عظیم و مجاهدت بزرگ نزد افکار عمومی است، تا بلکه از این طریق در ذهن نسل جوان امروز یک نوع تلقی منفی نسبت به مسأله جنگ و دفاع مقدس ایجاد کنند. در همین راستا، یکی از اقدامات دشمن در بحث تحریف واقعیات مقاومت هشت ساله جمهوری اسلامی ایران، ایجاد دوقطبی مدیریتی است. در حقیقت دشمن با طرح شبهه دوگانه مدیریت علمی و مدیریت فقهی و غیرعلمی و غیرعقلایی جلوه دادن مدیریت فقهی امام خمینی، به دنبال آن است که مدیریت جنگ در دوران دفاع مقدس را خسارت‌بار و پرهزینه معرفی کند، تا بلکه از این طریق در ذهن نسل جوان امروز یک نوع ذهنیت منفی نسبت به مدیریت جنگ که در دوران دفاع مقدس برعهده امام خمینی بود، ایجاد کند. این در حالی است که دوره دفاع مقدس به‌مثابه گنجینه ارزشمندی از تجربیات ماندگار و موفق است که هم‌اکنون با اتکاء به مدیریت و دانش عملی حاصل شده از آن می‌توان به‌عنوان چراغ راه آینده نظام اسلامی در مقابله با مشکلات و تهدیدات قرار گیرد. از این منظر با توجه به اینکه تحریف واقعیات یکی از معضلات و چالش‌های اساسی پیش‌روی نظام جمهوری اسلامی از ابتدای شکل‌گیری تاکنون بوده است و از سوی دیگر، ادبیات و روایت‌های تولید شده از این قبیل در شکل‌گیری اذهان، و باورهای جامعه تاثیر بسزایی دارد، پرداختن به این موضوع حائز اهمیت است. بویژه اینکه دشمن با بسیج تمامی امکانات و با وارونه جلوه دادن واقعیات هشت سال مقاومت دفاع مقدس، در پی این است تا بلکه از این طریق در ذهن نسل جوان امروز یک نوع تلقی منفی نسبت به مسأله جنگ و دفاع مقدس ایجاد کند. پر واضح است که، راه مقابله با این جریان، ارائه روایت صحیح، متقن و مستدل می‌باشد. بنابراین، در پژوهش پیش‌رو تلاش خواهد شد به منظور روشنگری و بصیرت‌افزایی، نقش امام خمینی در مدیریت جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بررسی گردد. به همین منظور، برای نیل به هدف مذکور از روش کیفی و شیوه گردآوری کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است. در این راستا نیز از مصاحبه‌های صورت گرفته با کارشناسان و آثار منتشر شده در مراکز علمی و پژوهشی، سازمان‌ها

و نهادهای اداری مرتبط با موضوع استفاده شده است.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مختلف و متعددی پیرامون زندگی فردی، سیاسی و رهبری امام خمینی در دوران جنگ انجام شده که هر یک از منظری خاص به موضوع نگریسته‌اند. به عنوان نمونه در حوزه نظامی، پیوسته و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی جنگ، دفاع و صلح از دیدگاه رهبر انقلاب پرداخته‌اند. افضل‌ی و محسن‌زادگان (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی مدیریت نظامی امام خمینی در جنگ را تا مرحله پس از فتح خرمشهر بررسی نمودند. جعفری (۱۳۹۰) در پژوهشی به تبیین وجوه راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی فرماندهی امام خمینی در جنگ تحمیلی پرداخته است. آقابابایی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی اصول و مبانی مدیریت نظامی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس را بررسی نمودند. برخی از پژوهش‌ها نیز مبتنی بر جمع‌آوری یا تحلیلی بر محتوای سخنرانی‌ها و پیام‌های امام خمینی در مورد جنگ تحمیلی بوده است؛ مثلاً مرندی و سلیمانی (۱۳۸۳) در پژوهشی رهنمودها و اندیشه‌های امام خمینی را درباره جنگ بررسی نمودند. مرندی و رحمتی (۱۳۸۴) در پژوهشی اندیشه‌های امام خمینی را درباره نیروهای مسلح تحلیل کردند. همچنین برخی از آثار به بررسی سیره عملی امام خمینی پرداخته‌اند که در آنها می‌توان ردی از مدیریت امام خمینی در جنگ تحمیلی یافت. مثلاً اسماعیل‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی سیره اخلاقی امام خمینی را در دوران دفاع مقدس بررسی نموده است. ترکرانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با تأکید بر رفتارشناسی امام خمینی، موضوع پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را در دوران و شرایط جنگ تحمیلی بررسی نموده است. اگرچه در برخی از پژوهش‌ها به موضوع مدیریت امام خمینی در جنگ تحمیلی پرداخته شده است، اما تاکنون پژوهش مستقلی پیرامون این موضوع صورت نگرفته است. پژوهش‌های کاربردی هم‌راستا تنها به بررسی بخشی از مدیریت امام خمینی در جنگ تحمیلی پرداخته و به تمام ابعاد این معنای خاص توجه نداشته‌اند. وجه تمایز پژوهش پیش‌رو با سایر پژوهش‌هایی که مدیریت امام خمینی در جنگ تحمیلی را مورد بررسی قرار داده‌اند، رویکرد جامع‌نگر آن به ابعاد مدیریتی و رهبری امام خمینی در دوره جنگ و مبتنی بر در نظر داشتن ابعاد گوناگون مدیریت مستقیم و غیرمستقیم جنگ توسط معمار انقلاب اسلامی است.

۳. مفاهیم نظری

۳-۱. دفاع مقدس

دفاع مقدس در یک معنای کلان و کلی «نوعی خاص از جنگ و نبرد مسلحانه است که از یک سو حالت

تدافعی در مقابل تجاوز نظامی بیگانگان داشته و از سوی دیگر مطابق با هنجارهای دینی پذیرفته شده در یک جامعه و دارای ارزش دینی و اجتماعی است. مانند جنگ به منظور دفاع از خویش (دفاع مشروع) در مقابل متجاوزین به دین، عرض، جان و مال خود و بستگان یا مملکت و نیز به منظور دفاع از مظلومین عالم و یا در مقابل ستمگرانی که آزادی دعوت دینی را سلب می‌کنند و با حاکمیت استبدادی مانع انتخاب آزادانه دین صحیح از سوی مردم می‌گردند». اما دفاع مقدس در معنای خاص خود «به مجموعه مجاهدت‌ها، حماسه‌ها، پایمردی‌ها و فعالیت‌های متنوعی که ملت شریف و مسلمان ایران و نیروی‌های مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام دادند»، گفته می‌شود (فتوحی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۸۲). در این پژوهش، این معنای خاص از دفاع مقدس مورد نظر می‌باشد.

۲-۳. رهبر

رهبر به معنای شخصی است که راه را به انسان نشان می‌دهد و او را در زندگی برای نیل به هدف راهنمایی می‌نماید و یا به معنای برعهده داشتن ریاست و هدایت یک جمع و گروه می‌باشد. رهبری از دیدگاه اسلام به معنای «هدایت و رشد و یا ارشاد و رشد» است (مطهری، ۱۳۶۵: ص ۲۳۵). رشد نیز به معنای «رسیدن به بلوغ روحی و روانی و افزایش شایستگی و فهم و قدرت برای تشخیص سود و زیان و توانایی برای اداره و استفاده درست از وسایل و سرمایه‌هاست» (همان). در این پژوهش نیز این معنا از رهبری مورد توجه است.

۳-۳. مدیریت

مدیریت در لغت به معنای اداره کردن است (الخوری الشرتونی، ۱۴۰۳ق، ذیل واژه مدیریت). صاحب‌نظران تعاریف گوناگونی را برای واژه مدیریت ذکر نموده‌اند. در برخی تعاریف مدیریت به استفاده موثر از منابع و بکارگیری نیروی انسانی جهت رسیدن به هدفی خاص معنا شده است. در برخی دیگر از تعاریف نیز مدیریت به هنر انجام دادن کار به وسیله دیگران تعریف شده است. همچنین برخی مدیریت را به هماهنگ نمودن منابع مادی و انسانی برای نیل به اهداف معنا کرده‌اند (لطیفی، ۱۳۸۷: ص ۱۰). شهید مطهری نیز مدیریت را به «فن بهتر بسیج کردن و فن بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها تعریف کرده است» (مطهری، ۱۳۶۵: ص ۲۳۵؛ هوشیار و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۲-۳). در مجموع می‌توان گفت که رهبری و اداره منابع مالی و انسانی در راستای هدفی خاص، وجه مشترک در میان تعاریف مذکور می‌باشد.

۴. چارچوب نظری پژوهش

سبک‌های مدیریت بحران‌های مختلف در جوامع، به ویژه بحران‌های سیاسی و نظامی را می‌توان به سه نوع مدیریت سیستماتیک، مدیریت کاریزماتیک و مدیریت تلفیقی تقسیم نمود.

۴-۱. مدیریت و رهبری کاریزماتیک

در پژوهش‌های مربوط به رهبری، تحت تاثیر دیدگاه ماکس وبر در مورد انواع سلطه و اقتدار، اقسام مختلفی از انواع رهبران ذکر شده است. منبع اقتدار رهبران از جمله آن معیارها می‌باشد که رهبری کاریزماتیک در ضمن آن طرح می‌گردد. اعتقاد پیروان به خصوصیت خارق‌العاده رهبر، اهمیتی محوری در رهبری کاریزماتیک دارد. از دیدگاه وبر روابط عاطفی، محور اقتدار کاریزمایی می‌باشد و دلدادگی پیروان به رهبر کاریزمایی بر همان رفتار عاطفی مبتنی می‌باشد. به اعتقاد ماکس وبر، ترغیب و تهیج ابعاد عاطفی ذهن پیروان، کارویژه رهبر کاریزمایی است (فروند، ۱۳۸۲: ص ۲۶۰-۲۵۰). به عبارت دیگر، مدیریت کاریزماتیک، بر ماهیت و نوع رابطه رهبر با توده‌های مردم که تحت تأثیر کاریزمای بالای وی قرار دارند، مبتنی می‌باشد. برخلاف سبک سیستماتیک در این سبک، تصمیمات مستقیم فردی شخص رهبر کاریزما برجسته است. با وجود انتقادات مطروحه از مفهوم رهبری کاریزماتیک ماکس وبر، اما هنوز ضمن حفظ ارزش نظری خود، پاسخگوی نیازهای تئوریک مهمی از جمله در مطالعه جنبش‌های انقلابی می‌باشد (بشیریه، ۱۳۷۲: ص ۲۰).

۴-۲. مدیریت و رهبری سیستماتیک

رویکرد دیگر در تقسیم‌بندی مدیریت در روش رهبران، مدیریت سیستمیک می‌باشد. در این رویکرد، محور توجه، به طور عمده بر کیفیت وقوع بحران است (بهامین و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۳۸). در مدیریت سیستماتیک، برخلاف شرایط عادی، تصمیم‌گیری و مدیریت بحران‌های سیاسی و جنگ در چارچوب سلسله‌مراتب و نظام تصمیم‌گیری حاکم اتخاذ می‌شود. به عبارت دیگر، در این سبک مدیریت، تصمیمات به صورت فردی گرفته نمی‌شود، بلکه از طریق نهادهای مربوطه اتخاذ می‌گردد.

۴-۳. مدیریت و رهبری تلفیقی

در مدیریت تلفیقی، یک رهبر تلاش می‌کند تا میان مدیریت سیستماتیک و مدیریت کاریزماتیک جمع نماید؛ به گونه‌ای که نوعی رابطه تعاملی میان نهادهای تصمیم‌گیر در شرایط بحران و تصمیمات فردی در به صحنه آوردن توده‌های مردم و نقش‌آفرینی آنان در کمک به آن نهادها در حل بحران برقرار نماید. فرضیه

پژوهش حاضر با توجه به چارچوب نظری فوق این است که سبک مدیریتی امام خمینی در دوران جنگ تحمیلی، سبک مدیریت تلفیقی بوده است.

۵. تدابیر و اقدامات مدیریتی امام خمینی در دفاع مقدس

از جمله ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی، مدیریت ایشان در دوران دفاع مقدس به لحاظ نوع راهبرد، راه کنش و تدابیر عملیاتی می‌باشد. امام خمینی با ترسیم استراتژی کارآمد و پویا و نیز بهره‌برداری از تجارب تاکتیکی فرماندهان نظامی کشور و با بوجرد آوردن وفاق و همدلی میان آنان و ابلاغ فرامین عملیاتی پویا، جمهوری اسلامی ایران را از بحران نخست جنگ تحمیلی خارج نمود و با تمسک به قرآن و سیره معصومان(ع) در امور فرماندهی نظامی، جنگ را به مرحله‌ای رساند که رژیم بعث عراق ناگزیر به پذیرش صلح و آتش‌بس گردید و در نهایت نیز جنگ تحمیلی را با حفظ تمامیت ارضی کشور به سرانجام رساند (مؤمنی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۵). مقام معظم رهبری در ضرورت پرداختن به نقش رهبری و فرماندهی امام خمینی در جنگ تحمیلی می‌فرماید: «بعضی‌ها انکار می‌کنند، اظهار تعجب می‌کنند که چطور ممکن است یک روحانی مُسن پیرمردی در سنین هشتاد و چندساله مثلاً بتواند نیروهای مسلح را در جنگ تحمیلی اداره کند. خیال می‌کنند که مدیریت جنگ تحمیلی و فرماندهی جنگ تحمیلی امام خمینی به این بود که برود؛ مثلاً، در قرارگاه‌های تاکتیکی مقدم بنشیند عده‌ها را جابه‌جا کند، یگان‌ها را این‌ور و آن‌ور بفرستد. مسئله این نبود، مسئله امام خمینی چند چیز دیگر بود: اولاً، مهم این بود و کار بزرگ امام این بود که از اول حجم واقعی این کارزار را شناخت، از اول فهمید که معنای این جنگ تحمیلی چیست؛ ثانیاً، یک تشخیص اساسی و حیاتی داد و آن این بود که این مسئله مهم را فقط ملت ایران می‌تواند حل کند. بعد هم قاطعیت بی‌نظیر، آن قاطعیت فوق‌العاده؛ کارهای نشدنی را که به معنای واقعی کلمه نشدنی به نظر می‌رسید، رهبری امام و هدایت ایشان و فرماندهی امام این‌ها بود. متأسفانه، نقش امام در نوشته‌های مربوط به جنگ تحمیلی، و در بحث‌های مربوط به جنگ تحمیلی مورد غفلت واقع شده» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۶/۳۱). در راستای تبیین هرچه بیشتر نقش امام خمینی در جنگ تحمیلی، در ادامه تلاش می‌شود با توجه به نقش هدایت‌گر امام خمینی در طول دوران دفاع مقدس، به اجمال، به برخی از سرفصل‌های مهم مرتبط با نقش ایشان در جنگ اشاره گردد.

۱-۵. مدیریت فقهی مبتنی بر عقلانیت و تدبیر

امام با آگاهی از واقعیت‌های نظام نوپای جمهوری اسلامی و درآمیختن آموزه‌های مذهبی و ملی و ایجاد اتحاد درونی توانست سرمایه اجتماعی را تقویت نماید و همین امر نقطه تمایز و منحصر به فرد مدیریت رهبری

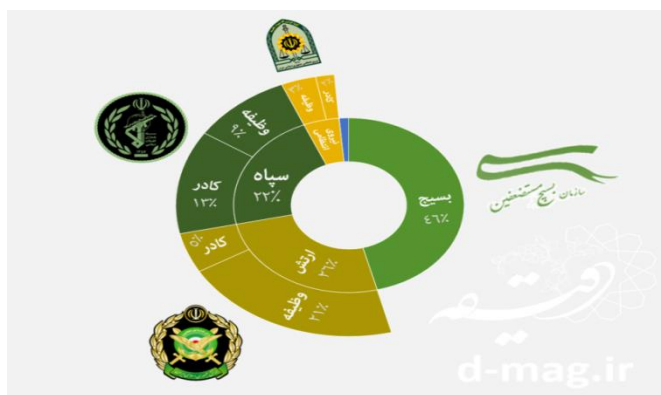
ایشان در دوران جنگ تحمیلی بود. برخلاف تصور برخی که شیوه مدیریت امام را فقط یک‌بُعدی می‌پندارند، سخنان فرماندهان دوران هشت‌سال دفاع مقدس حاکی از آن است که مدیریت ایشان در جنگ تحمیلی، مدیریتی همه‌جانبه بوده است. به اذعان فرماندهان، مدیریت و تدابیر امام در طول هشت‌سال دفاع مقدس همواره راهگشای آنان در شرایط بحرانی جنگ بود. لذا، سردار رحیم صفوی با اشاره به مسائل و مشکلات پیش‌رو در عملیات والفجر ۸ درباره نقش مدیریت امام خمینی در آن عملیات می‌گوید: «باتوجه به سوابقی که در ناکامی رزمندگان در عبور از رودخانه‌های دجله و فرات در عملیات بدر و خیر داشتیم، نگران بودیم که مثلاً، اگر ما چند هزار نفر نیرو را از این رودخانه عبور بدهیم، چه خواهد شد؟ از طرفی، برای تثبیت مواضع تصرف‌شده هم در مقابل خود، دشمن و در پشت‌سر، رودخانه را داشتیم. روز ۲ بهمن ۱۳۶۴، یعنی چند روز قبل از عملیات والفجر ۸ به‌اتفاق تنی چند از فرماندهان، از جمله سردار رضایی و سردار شمخانی، خدمت امام خمینی رسیدیم. آن بزرگوار با آن حال و سن زیاد حدود نیم‌ساعت از روی نقشه به‌دقت توضیحات ما درباره عملیات را ملاحظه فرمودند و نگرانی ما را هم متوجه شدند؛ سپس، فرمودند: شما به خداوند اعتماد داشته باشید، اصلاً فرمانده کل قوا خداست. همان‌خدایی که به شما مأموریت داده که نماز بخوانید، همان خدا به شما امر کرده که دفاع بکنید. بروید و مطمئن باشید که پیروزید. به گفته سردار رحیم صفوی رزمندگان اسلام با تکیه بر دلگرمی امام خمینی و اینکه ایشان فرموده بودند شما پیروزید و بر خداوند توکل کنید، عملیات را شروع کردند و هنوز یک ساعت از شروع عملیات نگذشته بود که خط اول دشمن در کنار اروند به‌وسیله لشکر ۲۵ کربلا شکسته شد و به‌دنبال آن شهر فاو به تصرف سپاه اسلام درآمد» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ج ۱۲، ص ۲۸۱).

۲-۵. استفاده از ظرفیت نیروهای مردمی در جنگ (بسیج عمومی): مدیریت کارزماتیک

از دیدگاه امام خمینی دوام و بقای حکومت مستلزم توجه به خواسته‌های مردم، دخالت دادن آنان در امور حکومتی و به‌رسمیت شناختن حق آن‌ها در نظارت بر ارکان حکومت است؛ از این‌رو، در ۵ آذر ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی، «سازمان بسیج مستضعفین» تشکیل شد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در دی ۱۳۵۹ قانوناً رسمیت پیدا کرد و به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعلق گرفت. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب مردمی، متکی به حضور مردم بود و امام خمینی با بسیج و به میدان آوردن مردم، زمینه‌ساز شکل‌گیری حرکت انقلاب و پیروزی آن شد. در کمتر از یک سال بعد از پیروزی انقلاب در ۵ آذر ۱۳۵۸ و در شرایطی که هنوز جنگ تحمیلی آغاز نشده بود، این حضور با فرمان تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی سازمان یافت و

به مدیریت کشور کمک کرد، تا بتواند توطئه‌های دشمنان در سال‌های اولیه انقلاب، از جمله توطئه تجزیه قومی و تروریسم را خنثی نماید. بدون تردید، برجسته‌ترین عرصه نقش آفرینی بسیج در دوان دفاع مقدس بود که در آن حضور بسیج در کنار نیروهای سپاه و ارتش عملاً مسیر جنگ تحمیلی را برخلاف اراده دشمنان رقم زد. اگر حضور مردم، در قالب بسیج، از همان لحظات اولیه جنگ تحمیلی نبود، نقشه دشمنان در تجزیه ایران و فروپاشی نظام اسلامی در همان سال‌های اولیه انقلاب محقق شده بود، اما تأثیر بسیج تنها در دفع تهاجم دشمنان نبود، بلکه این حضور آگاهانه و تکلیف‌گرایانه در بستر ارزش‌های انقلابی و اسلامی به دفاع مقدس معنا بخشید و جنگ تحمیلی را به بستری برای تجلی فرهنگ اسلام و صدور انقلاب تبدیل کرد. امام خمینی در بیانات متعددی بر این نقش حمایتی مردم اشاره می‌کنند. ایشان از همان ابتدای حمله عراق به ایران بر نقش و جایگاه مردم در دفاع از کشور و دفع متجاوز توجه داشته و در بیاناتی که در جمع مردم و فرماندهان ارشد نظامی داشتند، بر این مسئله تأکید کردند، از جمله در پیامی (۵ مهر ۱۳۵۹) ناظر بر توجه ویژه به نقش مردم در دفاع از کشور فرمودند: «مسئولان و علما، مردم را برای دفاع از کیان کشور آماده کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ج ۱۳، ص ۲۴۳). «عملیات طریق‌القدس»، نخستین دستاورد استفاده از نیروهای مردمی در سطح وسیع در جنگ تحمیلی است. در این عملیات نیروهای مردمی در سطح گسترده‌ای سازمان‌دهی و به‌کار گرفته شدند که همین امر اجرای تاکتیک عبور از منطقه رملی را میسر کرد؛ زیرا بدون اتکاء به نیروهای مردمی، اجرای این تاکتیک عملی نبود (درویان، ۱۳۸۹: ص ۴۴-۵۰). بسیج این نیروها در میدان نبرد و نیز پشتیبانی از جبهه، موازنه را به نفع جمهوری اسلامی برهم زد. اهمیت این حضور به‌گونه‌ای است که شهید چمران یکی از دلایل غافلگیری دشمن در جنگ را، در نظر نگرفتن حضور داوطلبانه توده‌های مردم در جبهه‌ها دانسته و می‌گوید: «صدام و اربابان او اصلاً قدرت مردمی را حساب نکرده بودند ... در خلال جنگ ما شاهد بودیم که ده‌ها و صدها هزار جوانی که با شور و شوق به صحنه‌ها می‌آیند و با چه جانبازی، سینه خود را سپر گلوله و خمپاره می‌کنند و آرزوی شهادت دارند. مردان پیر و جوانان خردسال و زنان، که گاهی با گریه و التماس خواستار اجازه هستند که به جبهه بروند و به افتخار شهادت نایل آیند، یا پیرزنانی که حتی لقمه نانی را از فرزندان خود می‌گیرند که برای پشتیبانی از رزمندگان به جبهه جنگ بفرستند» (پارسادوست، ۱۳۶۹: ص ۶۰۲). هفته‌نامه نیوزویک نیز حضور هماهنگ توده‌های مردم را در جبهه‌های جنگ، به کابوسی برای فرماندهان رژیم بعث تعبیر می‌نماید: «پنج سال پس از جنگ شدید و تلخی که در آن بیش از ۴۰۰ هزار نفر کشته شده‌اند، ایران هنوز مشکلی برای اعزام نیروی داوطلب به جبهه ندارد. گروه‌های مختلف تشکیل‌دهنده نیروهای بسیجی، از جوانان و بچه‌های کم سن و سال و مردان ریش سفید، نشانه بزرگ‌ترین تهدید برای عراق

است. جهان خارج ممکن است به چنین افرادی به صورت افراد گمراه شده، با تعجب نگاه کند، لیکن آن‌ها همچنان به جبهه‌ها خواهند رفت و اینجا میلیون‌ها نفر مانند وی وجود دارد. فقط موجودیت آن‌ها می‌بایست کابوسی برای هریک از فرماندهان عراقی باشد» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸/۶/۳۱). کونوشیو، خبرنگار ژاپنی نیز از ابعاد گسترده حضور مردم در رزم و پشتیبانی با شگفتی می‌گوید: «من فکر نمی‌کردم مردم این طور قوی باشند ... مردم نه تنها از جنگ فرار نمی‌کردند که (می‌گفتند) این جنگ، یک جنگ مردمی است و این مردم هستند که می‌جنگند و فکر می‌کنم تا بیرون راندن عراق، به جنگ ادامه خواهند داد ... همچنین، دیدن بچه‌های اسلحه به دست، که از وطن خود دفاع می‌کنند، برایم جالب بود ... روحیه مردم در شهرها واقعاً تحسین‌برانگیز بود و همگی می‌گفتند: هرچند صدام می‌خواهد با ترساندن ما به وسیله توپ و موشک ما را از شهرهایمان بیرون کند، ولی ما خواهیم ماند و در پشت جبهه رزمندگان را تقویت خواهیم کرد» (همان). حضور داوطلبانه مردم در نبرد با دشمن به حدی بود که در سال ۱۳۶۶، تعداد ۱۵۰ گردان نیروی بسیجی عازم جبهه‌ها شدند. آمار قشربندی ترکیب نیروهای نظامی ایران در دوران جنگ تحمیلی و نیز شهدای جنگ تحمیلی نشان می‌دهد که تمام اقشار در دفاع از کشور وارد عرصه مبارزه با دشمن شده‌اند که در این میان، حضور بیش از ۲ میلیون نفر از اعضای بسیج و تقدیم بیش از ۸۵ هزار شهید بسیجی، که معادل ۴۶ درصد کل شهدای جنگ تحمیلی است، نشان از حضور بی‌بدیل قشرهای مختلف جامعه در جنگ دارد (درودیان، ۱۳۸۹: ص ۴۴-۵۰).



شکل ۱- آمار شهداء جنگ تحمیلی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران^۱

۳-۵. حفظ انسجام جامعه (مدیریت کاریزماتیک)

بدن تردید، از بین رفتن انسجام جامعه در زمان وقوع جنگ از جمله موضوعاتی می‌باشد که در صورت عدم توجه به موقع، سبب ایجاد تشتت می‌گردد. اما امام خمینی با هوشیاری، زمینه انسجام و وحدت بین اقشار مختلف جامعه درگیر در جنگ را افزایش داد و از این طریق تهدید جنگ را به فرصت تبدیل نمود. بر همین اساس، ایشان در آغاز جنگ تحمیلی که فضای سیاسی کشور از یک سو متأثر از فعالیت گروه‌های ضدانقلاب و تجزیه‌طلبی، از جمله سازمان مجاهدین خلق، سازمان چریک‌های فدایی، اتحادیه کمونیست‌های ایران و از سوی دیگر، با توجه به کارشکنی بنی‌صدر و دولت لیبرال او به عنوان رئیس‌جمهور و جانشین فرمانده کل قوا که علاوه بر تشدید اختلافات داخلی، کشور را به شدت دچار آشفتگی و هرج و مرج‌های گوناگون کرده بود، در چنین شرایطی با تدبیر و هدایت‌گری جامعه، ضمن اینکه به آحاد مردم و مسئولان تذکر می‌دادند که با حفظ وحدت و انسجام ملی مراقب شرایط باشند، عملاً تأثیر منفی و شکننده هریک از این حوادث را بر عرصه‌های نبرد و روحیه رزمندگان اسلام خنثی کردند؛ بدین ترتیب، رهبری امام خمینی باعث شد که جنگ تحمیلی عامل انسجام مردم با مسئولان گردد، تا کسانی که با این جریان همسو نبودند، در خارج از این محدوده قرار گیرند. عزل بنی‌صدر، افشای توطئه‌ها، وقایع تکان‌دهنده پیاپی از جمله ترورها و بمب‌گذاری‌ها، از نمونه‌های نقش‌آفرینی امام خمینی در ایجاد وحدت و انسجام ملی در شرایط بحرانی می‌باشد.

۴-۵. صدور پیام‌ها و دستورهای گره‌گشا (مدیریت سیستماتیک)

امام خمینی در جایگاه فرماندهی کل قوا، دستورهای نظامی و عملیاتی مهم و تأثیرگذاری در راستای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در زمان تصدی‌شان در مقام مذکور صادر نمودند که سبب تحرک و نقش‌آفرینی قابل توجه رزمندگان اسلام از یک سو و یأس دشمنان درونی و بیرونی از سوی دیگر گردید. فرامینی همچون فرمان آزادسازی پاره، دستور شکستن حصر آبادان، دستور آزادسازی سوسنگرد، فرمان برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، پیام حفاظت از جزایر معنون در عملیات خیبر، پیام مربوط به قطعنامه ۵۹۸ و... سخنرانی‌ها و پیام‌های امام خمینی در طول جنگ تحمیلی همواره موجب قوت‌قلب رزمندگان و تقویت روحیه جهاد و مقاومت مردم بود. به روایت فرماندهان جنگ، پس از صدور چنین پیام‌هایی، سیل گسترده مردمی برای دفاع از کشور به سوی جبهه‌های نبرد آغاز می‌شد. سردار سرتیپ اسدالله ناصح، از فرماندهان عملیات مرصاد، با اشاره به حکم امام خمینی برای تقویت جبهه می‌گوید: «در جریان عملیات

مرصاد، به دنبال فراخوان امام خمینی، آنقدر نیروی مردمی به جبهه‌ها آمد که فرماندهان سپاه امکان تجهیز و سازمان‌دهی همه آن‌ها را نداشتند. مردم از تمام اقشار، دانشجو، کارگر، معلم و... حتی کسانی که اصلاً به جبهه نیامده بودند، در این عملیات اسلحه به دست گرفتند و علیه منافقین وارد عمل شدند» (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۴۰۰/۰۵/۲۴).

۵-۵. اشراف کامل اطلاعاتی بر امور جنگ (مدیریت سیستماتیک)

امام خمینی در فرماندهی دفاع مقدس بر همه نهادهای مربوط به جنگ نظارت کامل داشت و گزارش‌های گوناگونی از امور خرد و کلان جنگ همچون امکانات، وضعیت روحی و روانی مجاهدان، اوضاع خطوط مقدم جبهه به طور دائم بواسطه نمایندگان ایشان در ارگان‌های مختلف و همچنین فرماندهان قرارگاه‌ها و لشکرها به ایشان اطلاع‌رسانی می‌شد. امام خمینی نیز به طور دقیق، آن‌ها را بررسی می‌کرد و فوراً فرمان پیگیری یا حل مشکل را صادر می‌نمود؛ به عنوان مثال، فرمانده کل سپاه در آبان ۱۳۶۲ در گزارشی به امام خمینی، چگونگی انجام عملیات‌ها و مقدار پیشرفت نیروها را در جبهه‌های گوناگون بیان و از ایشان برای ادامه کار کسب تکلیف نموده بود. ایشان سریعاً خطاب به رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی دفاع می‌نویسند: «جناب آقای خامنه‌ای، رئیس شورای عالی دفاع، در شورای عالی دفاع به این امر رسیدگی فوری شود و نتیجه را ابلاغ نمایید» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ج ۱۲، ص ۲۸۱). امام خمینی همچنین، اطلاعات مختلف جنگ را از طرق غیررسمی نیز بدست می‌آورد؛ به عنوان مثال، اعضای دفتر یا بستگان در زمان‌های مختلف و شرایط گوناگون جنگ به جبهه‌ها می‌رفتند و پس از بازگشت، مشاهدات خود را برای امام خمینی بیان می‌کردند. امام گاهی اوقات اشخاصی را به صورت ناشناس، به جبهه‌های نبرد اعزام می‌نمود تا وضعیت نیروهای رزمی و مناطق عملیاتی را در نقاط مختلف جبهه‌ها بررسی کنند و گزارش آن را به ایشان برسانند. ایشان با آگاهی کامل از اوضاع سیاسی و نظامی جنگ، تصمیم‌گیری می‌نمود. امام خمینی هرچند یک فرد نظامی دوره‌دیده و کلاسیک نبود، اما برای آگاهی از مسائل جنگ و عملیات‌ها، از روزهای آغازین جنگ به شورای عالی دفاع فرمود: «از شورای عالی دفاع می‌خواهم که هر روز اینجانب را از وضع جبهه‌ها مستحضر کند» (همان: ص ۲۸۲).

۵-۶. نظارت بر عملکرد کارگزاران و مسئولان (مدیریت سیستماتیک)

امام خمینی بر عملکرد کارگزاران نیز اشراف و نظارت کامل داشت. چنانکه تأکیدهای ایشان به مسئولان نظام جمهوری اسلامی مبنی بر توجه بیشتر به مسائل و ابعاد مختلف جنگ و در اولویت قرار دادن دفاع

مقدس و حل مشکلات مربوط به آن باعث شد که آنان سیاست و برنامه‌های خود را در جهت تقویت دفاع مقدس پایه‌ریزی کنند. امام خمینی مسئولان بخش‌های مختلف سه‌گانه را کاملاً تحت نظر داشتند و همواره به آنان تذکر می‌دادند که مبادا به نحوی موضع‌گیری کنند که عملکردشان در روحیه رزمندگان اسلام تأثیر منفی بگذارد: «اگر خدای نخواست به واسطه حرف‌های ما، به واسطه اقدامات ما، در جبهه یک سستی پیدا بشود، در جبهه جنگ، مسئولش همه ما هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ج ۱۲، ص ۱۳۱). همچنین، ایشان زمانی که بین برخی گروه‌ها و مسئولان اختلافات سیاسی پیش می‌آمد، برای جلوگیری از تخریب روحیه رزمندگان و انحراف اذهان عمومی از دفاع مقدس، فوراً به آنان هشدار می‌داد و آنان را به جبهه‌های جنگ متوجه می‌ساخت: «شمایی که الآن لشکر کفر به شما حمله کرده و شمایی که الآن در سوسنگرد آن بساط را دارید، در آبادان آن بساط را دارید، در اهواز آن بساط را دارید، نباید به خودتان بیایید؟» (همان: ص ۱۳۲).

۷-۵. مدیریت و فرماندهی بر قلوب رزمندگان (مدیریت کارزماتیک)

مدیریت امام خمینی را می‌توان به عنوان نمونه بارزی از الگوی مدیریتی الهی و اسلامی نامید؛ زیرا سیره عملی و نظری ایشان در فرماندهی جنگ تأثیر شگرفی بر روحیه رزمندگان و هدایت و رهبری ایشان در هشت سال حماسه دفاع مقدس داشته است. مقام معظم رهبری درباره ویژگی‌های فرماندهی و رهبری امام خمینی در هدایت نیروهای رزمی و مسلح می‌فرماید: «غیر از دوران پیامبر(ص) و دوران خلافت امیرالمؤمنین(ع) و مدت کوتاهی از امام مجتبی(ع)، فرمانده کل قوای عارف و حکیم و عاشق و الهی در دنیا سراغ نداریم... ما در هیچ جای دنیا، نه امروز و نه در گذشته، نیروی نظامی سراغ نداریم که تحت فرماندهی انسانی معنوی و الهی و عارف و دارای رقیق‌ترین احساسات بشری و در عین حال، با قاطعیت و صلابتی که هیچ فرماندهی در دنیا از آن برخوردار نیست، به حراست و دفاع از ناموس و حیات شرافتمندانه ملت در مقابل تجاوزگران پردازد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۶/۳۱). رابطه‌ای که رزمندگان هشت سال دفاع مقدس با امام خمینی داشتند، رابطه‌ای بسیار عمیق و برخاسته از ایمان و آگاهی رزمندگان بود. اعتقاد آن‌ها به تدبیر و ایمان نائب بر حق امام زمان (عج) و اطاعت از ولی فقیه زمان، چنان رابطه عمیق عاطفی و منطقی بود که فقط در جغرافیای نظام اسلامی معنا می‌شد. رزمندگان فقط تحت امر رهبرشان نبودند، بلکه رابطه مرید و مرادی با او داشته و برای تمام فرمان‌ها و سخنان ایشان اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. سند این رابطه عمیق و ارادت قلبی، وصیت‌نامه‌های شهداء است. در همه وصیت‌نامه شهداء، از امام یاد شده است و پیروی از ایشان و ولایت فقیه یکی از نکات مهم و مشترکی است که در وصیت شهداء دیده می‌شود. شهید ابراهیم هادی در

فرازی از وصیت‌نامه خود چنین می‌نویسد: «خدایا، عشق به انقلاب اسلامی و رهبر کبیر انقلاب چنان در وجودم شعله‌ور است که اگر تکه‌تکه‌ام کنند و یا زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار گیرم، او را تنها نخواهم گذاشت» (پایگاه اطلاعاتی بنیاد شهید و امور ایثارگران).^۱ شهید قاسم سلیمانی نیز در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد: «خداوندا، تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیای راه، که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم» (پایگاه اطلاعاتی بنیاد شهید و امور ایثارگران).^۲ در مجموع، مهم‌ترین تدابیر و اقدامات مدیریتی امام خمینی در جنگ تحمیلی و دفاع مقدس را می‌توان در شکل (۲) به خوبی مشاهده کرد.



شکل ۲- مدیریت دفاع مقدس و جنگ تحمیلی توسط امام خمینی

۶. نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال پژوهش در بحث تحریف واقعیات دوران دفاع مقدس مبنی بر اینکه جنگ تحمیلی و دفاع مقدس به رهبری امام خمینی چگونه مدیریت و راهبری شد؟ با استفاده از روش کیفی اسنادی، نتایج زیر به دست آمد:

۱- امام خمینی با مدیریت ملهم از فقه پویا و مستنبط از منابع اصیل اسلامی و نیز جایگاه معنوی خود در میان قلوب مردم و رزمندگان و همچنین اشراف اطلاعاتی بر امور جنگ، از یک سو بر عملکرد نهادها و مسئولان نظام نظارت نمودند و از سوی دیگر با بسیج مردمی، زمینه مشارکت گسترده توده‌های مردم را در بخش‌های مختلف دفاع مقدس فراهم کردند. این سبک مدیریت ایشان، نوعی انسجام و وحدت در جهت دفاع از کشور را میان نهادهای مسئول و توده‌های مردم رقم زد که در نهایت، سبب رفع تهدید جنگ تحمیلی از کشور گردید.

1. <https://www.isaar.ir/fa/news329329>

2. <https://www.isaar.ir/fa/news329329>

۲- اقدامات و تدابیر مدیریتی امام خمینی با توجه به وضعیت انقلابی کشور و در اوج بحران‌های داخلی و در رأس آن جنگ تحمیلی، باعث انسجام و وحدت ملی و نظامی کشور گردید. وجود امام خمینی با توجه به ارتباط عمیقی که با مردم داشت، سبب گردید تا همان‌طور که انقلاب اسلامی را با رهبری الهی - سیاسی خود به پیروزی رساند، جنگ تحمیلی را نیز با فرماندهی خود مدیریت نمودند؛ بگونه‌ای که در دویست سال اخیر، برای اولین بار، ایران بدون کمک از مستشاران بیگانه، در نبردی نابرابر حتی یک وجب از سرزمین خود را از دست نداد. لذا، اقدامات و تدابیری که امام خمینی در مدیریت جنگ تحمیلی به کار بست، به‌خوبی توانست این عرصه را راهبری نماید.

۳- با توجه به مهم‌ترین تدابیر و اقدامات امام خمینی در مدیریت جنگ تحمیلی می‌توان نتیجه گرفت که سبک مدیریت ایشان در دفاع مقدس، تلفیقی از مدیریت سیستماتیک و مدیریت کاریز ماتیک بوده است. به عبارت دیگر، ایشان توانستند با استفاده از تلفیق دو سبک مدیریتی مذکور، با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم مردمی در تعامل و هماهنگی با نهادهای رسمی مسئول، بحران جنگ تحمیلی را مدیریت نمایند. لذا، می‌توان گفت که تدابیر و اقدامات مدیریتی امام خمینی در مدیریت جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، حاوی درس‌ها و آموزه‌های بسیاری برای مقابله با بحران‌های دیگر نیز می‌باشد.

منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۷۲). *انقلاب و بسیج سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهامین، حبیب‌الله؛ عطری، رضا؛ نظری، عبدالمناف (۱۳۹۹). *مدیریت سیستماتیک*. تهران: جالیز.
- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۶۹). *نقش عراق در شروع جنگ*. تهران: انتشار.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۰۶/۳۱). *بیانات به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46525>
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ج ۱۲-۱۳.
- خوری الشرطونی، سعید (۱۴۰۳ق). *اقترب الموارد*. قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی.
- درودیان، محمد (۱۳۸۹). *آغاز تا پایان*. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- فتحی، حسین (۱۳۶۹). *تلاش‌های صلح‌آمیز در هشت سال دفاع مقدس؛ حماسه مقاومت*. تهران: معاونت فرهنگی و تبلیغات جنگ ستاد فرماندهی کل قوا، ج ۲.
- فروند، ژولین (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی ماکس وبر*. ترجمه نیک گهر. تهران: نشر نیکان.
- لطفی، غلامرضا (۱۳۸۷). *مدیریت شهری*. تهران: موسسه فرهنگی و اطلاعاتی مطبوعات.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۸/۰۶/۳۱). *تدابیر نظامی امام خمینی در مقابله با تجاوز رژیم بعث عراق*. قابل دسترس در:
<https://irdc.ir/fa/news5195>
- مصاحبه با سردار ناصح با موضوع عملیات مرصاد. *خبرگزاری دفاع مقدس*، ۱۴۰۰/۰۵/۲۴. قابل دسترس در:
<https://defapress.ir/fa/news/471733>
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵). *امامت و رهبری*. تهران: صدرا.
- مؤمنی، محسن (۱۳۸۶). *در کمین گل سرخ «زندگی‌نامه داستانی شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»*. تهران: سوره.
- وصیت‌نامه شهید ابراهیم هادی. *پایگاه اطلاعاتی بنیاد شهید و امور ایثارگران*. قابل دسترس در:
<https://www.isaar.ir/fa/news329329>
- هوشیار، یاسر و همکاران (۱۳۹۶). *مدیریت علوی الگویی برای مدیریت جهانی*. در: کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی.